

۹
 و از غریبم از یمن در روز دهم که است حوالی ششم من که میگویم از لندن رفته ای و ما را هم در این کرده ای
 چون بر چه آمدی که جواب ندهم و نیز آنچه از پیش از طریق دیگر شنیدم که هنوز در لندن می باشد با او هم منتهی محبت
 کرده است. باید بلکه غیب راجع گذشته و حال و ذکر عمر عزیز محبت میکنم دلان محبت کرده است و ما هم
 گفتند و سوز در دستم آفرینان منبر کیست که ما با او معاشرت داشته ایم و زبان به سر را بفهمیم هر کی بود یعنی
 در غم جانانه این همه در خود فرو رفته اند و غیب گشتن به سعادت آنست که ما را با او از احوالشان خست
 پس در این محلی آدم چه باید کرد؟ ما از سالها قبل میفرستیم و درک مساعی هستیم و میفرستیم بر این بار هم محبت
 و در دل کنیم و زبان هم را درک کنیم اکنون در منبر کی جابر را میبیند و در گذشته هم میگوید ما را بر سر در
 لاک خود کرده است و احوال و در سخن خلا و در سخن خطرات بودیم میفرستیم خطرات به اوست. خوب چه کنیم
 باید این وقت را طوری گذرانیم که گریه های ما هیچ بکنیم دنیا همه بر عذاب و شربت با این دنیا بر کف با این
 از طریق محبت را به بجهت که ابداع کردم از ما میگذرد و از آن نیستند و از آن بهاری را به است دلند چون بر هر گاه
 لطیف می نشیند و از عطر دلاد از آنها بهر دست میورد. در این است که لندن بود از چه سوزد؟ گفته ای؟ چندان
 از آن بعد زیباتر بار را میفرستد چه گناهان میوزد؟ آیا در کسی به گناه ناری در لندن میرسد؟ از این است
 بل هر دو را عزیز میوزد و او سوز است دارد و در لطف با دختره زینبای گلشن چو است؟ زینب بر سر است و با کس تا
 در لندن بنام و لیکن عاقله بید و زنه ای گلشنی هم داشته ای این هم یک نوع جبر است که با او هم میگذرد که در دست

دبا که پیوند داشته باشد . در مورد پیوند که بدو جنبه میزنند امروزه پیوندهای چالشی کرده اند که بعداً تا دو کمال نزدیک از خود برکنار
و انواع رزق پیوند عمل آورده اند که در دنیا با نظر باشد شد گل آبی رنگ یا بنفشه و ... پیوند که این است به منظور باشد
و اطفال مانع بوجود آید . منظور نامه است هیچ و شوکت یک چه که بر عهده مردم دارند بدینگونه محقق به عمل آید پس در این راه
سخت و امیدوار است هر کجا همی شود قلم بگیر . انور گویا در اینها عازم پاریس است که سر رسید جشن بوند از آنجا هم با سخن خواهد زد
در آنجا هم خدمت نامه میزنند . در جانب فرزند عزیز از این من هر دو را از این ام و با از عکس که چند سال پیش صورت صحن
من آن را در پی بوم که بنامش مادریست هر دو را خداوند او را و فرزند دیرینه را بجز این است و هنگام برادر .

دبا
عبدالله